

نگاه امروز

جستاری در نامه ۴ وزیر دولت به رئیس جمهور

پایان ائتلاف تیم اقتصادی دولت

سعید ملکی

نامه چندی پیش ۴ وزیر، بسیاری از خوشبینی‌های واهی درباره شرایط پساتحریم را تحت الشعاع قرار داد. وزرای «صورت اقتصادی و دارایی»، «صنعت، معدن و تجارت»، «تعاون، کار و رفاه اجتماعی» و «دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح» در نامه‌ای که با سربرگ وزارت اقتصاد نوشته و امضا شده بود، تلویحا به انتقاد از «برخی تصمیمات و سیاست‌های ناهماهنگ دستگاه‌ها در کشور» پرداختند. آنها از رکود حاکم بر کشور خبر داده و نگرانی خود از نافرجامی خوشبینی‌های ایجادشده در دوران پس از توافق هسته‌ای را اعلام کردند.

«چرا این نامه نوشته شد؟» و «چرا نامه‌ای که از طرف وزرای کابینه به رئیس همان کابینه نوشته می‌شود، باید رسانه‌ای شود؟» ۲ سوال اساسی‌ای است که پس از نگارش این نامه به اذهان جامعه نخبگانی کشور خطور کرده است. به نظر می‌رسد از یک نگاه کلی جواب هر دو سوال مورد نظر را بتوان با یک پاسخ تشریح کرد. آنچه به عنوان فرضیه در پاسخ به این پرسش‌ها می‌توان مطرح کرد آن است که «گذاشتن این نامه بیش از هر چیز نشان از شکست ائتلاف اقتصادی کابینه آقای دکتر حسن روحانی دارد». برای تشریح این پاسخ باید حدود ۳۰ ماه به عقب بازگردیم.

یک - حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر روحانی در حالی در انتخابات ریاست جمهوری یازدهم به پیروزی رسید که با حداقل اکثریت نسبی توانست رئیس جمهور کشور شود. ائتلاف میان اصلاح‌طلبان و جریان نومیحافظه‌کار و تکنوکراتی که در رأس آنها رفسنجانی قرار دارد، در کنار حضور تعداد زیادی کاندیدای اصولگرا موجب پیروزی میلی‌متری رئیس جمهور فعلی شد.

بعدها ائتلاف پیروز شده، شکل گسترده‌تری به خود گرفت؛ به طوری که در سطح نخبگانی، طیف همراه «علی لاریجانی» نیز به آن پیوست. اینگونه بود که کابینه روحانی با کمترین تعارض ممکن از مجلس نهم رای اعتماد گرفت؛ رای بالایی هم گرفت. طبیعتاً این ائتلاف برای روحانی هزینه‌هایی نیز در بر داشت. آنچه امروز با عنوان نامه ۴ وزیر اقتصادی کشور می‌بینیم، زلزله‌هایی است که این ائتلاف را می‌لرزاند.

تیم اقتصادی دولت یازدهم، ماهیتاً چیزی میان تیم اقتصادی ۲ دولت هاشمی و ۲ دولت خاتمی است. در دولت هاشمی رفسنجانی غلبه با طرفداران بازار آزاد بود. دولت خاتمی ائتلافی بود میان نهادگرایان و طرفداران بازار آزاد که تنش‌های خاص خود را نیز تجربه کرد. با این تفاوت که بسا ورود برخی جریان‌های راست سنتی به هواداری حسن روحانی در انتخابات ریاست جمهوری اخیر، جریان‌های اقتصادی متناقض نیز در میان دولتیان حضور دارند بنابراین در مجموع تیم اقتصادی دولت دربردارنده اکثریتی از طرفداران بازار آزاد، برخی چهره‌های نهادگرا و تعداد کمتری از اقتصاددانان اسلامی با گرایش به سوی نهادگرایان است. همین ترکیب بیائنگر اختلافی است که تیم اقتصادی دولت را به سوی ارائه بسته‌های اقتصادی متناقض سوق می‌دهد؛ اگرچه بیشتر رویه‌های اقتصادی دولت روحانی مودک سیاست‌های اتخاذشده از سوی طرفداران بازار آزاد است؛ اقتصاددانانی که بیشترین تمایل را برای به نتیجه رسیدن توافق هسته‌ای داشتند و رویکردشان به حل مسائل اقتصادی، برونزا بود. در مقابل نهادگرایان در حین خوشحالی از توافق هسته‌ای، حل بحران اقتصادی را در درون جست‌وجو می‌کنند. نامه ۴ وزیر بیائنگر همین موضوع است.

دو - «عدم توازن میان پاسخگویی و مسؤولیت‌پذیری» را باید دیگر مشکل موجود در تیم اقتصادی دولت به شمار آورد. مسائلی که صراحتاً در نامه ۴ وزیر به رئیس جمهور قابل مشاهده است، در میان نیروهای اقتصادی دولت «محمدباقر نوبخت» معاون رئیس جمهور و رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، سردمدار نهادگرایان و «مسعود نیلی» مشاور رئیس جمهور در امور اقتصادی و دبیر ستاد هماهنگی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در رأس طرفداران بازار آزاد است.

نکته اینکه هیچ‌یک از این دو نفر مسؤولیتی در مقابل شخصی غیر از رئیس جمهور ندارند، زیرا وزارتخانه‌ای را رهبری نمی‌کنند.

ادامه در صفحه ۵

در جلسه روز گذشته مدیران عامل بانک‌ها نظر دولت تأمین شد



کاهش سود سپرده مردم

صفحه ۳

رویترز و بازنمایی گزینه‌های روی میز

شهاب‌الدین سینایی

صرف‌نظر از تکرار نام «رویترز» به عنوان یک بنگاه خبری پراکنی خارجی در رسانه‌های دیداری، شنیداری و نوشتاری ما، این واژه یادآور قراردادی است که بسیاری از ما از دل کتاب‌های درسی تاریخ آن را به خاطر سپرده‌ایم؛ قرارداد امتیازنامه رویتزر که بین دولت ایران در دوره پادشاهی «ناصرالدین شاه قاجار» با «سارون جولیبوس دو رویتزر» یا همان «اسرائیل بریوسافت» سرمایه‌دار یهودی انگلیسی تبار منعقد شد تا در ازای ۲۰۰ هزار لیره انگلیسی، دار و نثار ملت و کشور ایران به وی واگذار شود.

این قرارداد چنان بود که اعتراض اقشار گوناگون ملت بویژه روحانیون را برانگیخت و حتی صدای برخی دولت‌های خارجی را هم درآورد. حتی «لرد کرزن» دیپلمات انگلیسی مشهور عهد قاجار نیز امتیازنامه رویتزر را «بی‌نظیرترین» امتیازی دانست که شبیه آن را حتی یک مستعمره به استعمارگر خود اعطا نکرده است. البته با اعتراض گسترده مردمی به رهبری مرحوم آیت‌الله‌العظمی حاج «ملاعلی کنی» رضوان‌الله‌تعالی‌علیه و دیگر روحانیون، ناصرالدین شاه مجبور به لغو این امتیازنامه شد.

این روزها رویتزر نه به واسطه قرارداد ننگینش بلکه به واسطه گزارشی که در بنگاه خبری پراکنی به جا مانده از میراثش منتشر شده، باز هم خبرساز شده است. رویترز ۴ آبان در گزارشی به قلم «بنت رمبرگ» تحلیلگر نظامی - سیاسی دولت بوش پدر در آمریکا توصیه‌هایی را برای جلوگیری از تخطی ایران از برجام انتشار داد.

رمبرگ با مبهم دانستن فرآیند عملیاتی شدن برجام، سازوکارهای کنترلی آن از جمله «مکانیزم ماشه» را برای بازگشت تحریم‌ها در صورت امتناع ایران از تعهداتش ناکارآمد و ناکافی دانسته و به تکاپوی آمریکایی‌ها و برنامه‌هایی چون بهره‌گیری از بمب‌های بتن شکن برای در هم کوبیدن تاسیسات هسته‌ای ایران اشاره کرده است. گزارش‌نویس رویترز با بیان ناکارآمدی ادامه و امکان بازگشت‌پذیری تحریم‌ها به واسطه تمایل شرکت‌های خارجی شرقی و غربی برای گسترش مناسبات اقتصادی و تجاری با ایران و نیز برهزینه بودن اقدامات نظامی، مجموعه‌ای از فعالیت‌ها را برای توقف کامل برنامه هسته‌ای منکوب ساختن جمهوری اسلامی ایران پیشنهاد داده که از آن جمله می‌توان به تاکتیک‌های تکراری ترور دانشمندان هسته‌ای، خرابکاری در تاسیسات اتمی از طریق حملات سایبری، عملیات نیروهای ویژه و کماندوهای کارآموزده، بمباران سنگین مراکز هسته‌ای و نیز گسترش استفاده از لفاظی‌ها و تهدیدات نظامی اشاره کرد.

گزارش این خبرگزاری انگلیسی بدیل گزینه‌های روی میز آمریکا را گزینه پذیرش ایران هسته‌ای دانسته که مقام‌های واشنگتن و تل‌آویو همواره با انزجار از آن سخن گفته‌اند. این در حالی است که به نظر می‌رسد نویسنده رویترز خود انزجار بیشتری را در زمینه هسته‌ای شدن ایران ابراز می‌دارد و توصیه‌هایی باب میل صهیونیست‌ها ارائه می‌دهد. این نخستین‌بار نیست که رویترز گرایش‌های ضدایرانی خود را آشکار می‌سازد؛ رسانه‌ای که با شیطنت‌ها، دروغ‌پراکنی‌ها و فضا سازی‌های مکرر نقش خود را به عنوان یکی از حلقه‌های زنجیره پروپاگاندای ایران‌هراسی و شیعه‌ستیزی به انجام رسانده است. یکی از مهم‌ترین محورهای فعالیت‌های ضدایرانی رویترز در سال‌های اخیر حمایت مستمر از فتنه ۸۸ و فتنه‌گران بوده است. در این زمینه این رسانه انگلیسی گزارشی را اوایل شهریورماه منتشر کرد که محور اصلی آن امیدواری به تقابل دولت یازدهم با قوه‌قضائیه و دیگر نهادهای نظام جمهوری اسلامی به پشتوانه حمایت‌اصلاح‌طلبان تجدیدنظرطلبان و فتنه‌جویان بود. این دست فضا سازی‌های رویترز تنها محدود به مسائل سیاسی نبوده است بلکه این رسانه منافع اقتصادی شرکت‌های غربی در ایران را نیز دنبال می‌کند. گزارش اواخر تابستان رویترز درباره دلایل رکود اقتصادی در ایران نیز از آخرین فضا سازی‌های این بنگاه خبری پراکنی به شمار می‌رود که به دنبال زمینه‌سازی حضور گسترده‌تر شرکت‌های غربی در ایران است. در گزارش رویترز مهم‌ترین دلیل تداوم رکود در بازار ایران انتظار مشتریان و متقاضیان برای ورود اجناس و خدمات شرکت‌های بزرگ اروپایی در فضای پسابرجام عنوان شده است.

ادامه در صفحه ۵